

صدیق مکرم ، دانشمند عالی قدر

امیدوارم خود و عزیزان در کمال عافیت و سلامت باشید. همان گونه که به درستی اشاره فرمودید چند سال است که از درک حضور و فیض دیدار آن دوست عزیز و دیگر موالی کرام محروم مانده ام . بلای عالمگیر و ویروس منحوس ، همراه با فرا رسیدن ایام پیری و ضعف و ناتوانی ناشی از آن مجال سفر نداده است . آرزو دارم که سال آینده اگر سفر ایمن تر و حال بنده مساعدتر باشد به تجدید دیدار احباب توفیق یابم .

از مهربانی که در ارسال متن مقدمه جناب آقای میلانی بر نوشته ای در ردّ یکی از کتب ضالّه مبذول فرموده بودید بسیار سپاسگزارم. سالیانی دراز است که در سلک علاقمندان ایشان هستم و مطالبی که در این مقدمه، مطمئناً به ادای آن چه آن را وظیفه شرعی خود دانسته اند، مرقوم فرموده اند نیز خللی در آن امر ایجاد نمی کند و به سخن حافظ : «حَقّه مهر بدان مُهر و نشان است که بود». پیش ترها چنین تصور می کردم که فرق میان ایشان و امثال بنده، اختلاف پست خدمت است و شیوه کار من که رعایت حال اضعف مأمومین و تمرکز بر حدّاقل ها و قدر جامع ها به خاطر حفظ بقیه باقیه از موالیان اهل بیت در این غربت غریبه است با روش بزرگانی چون ایشان که حدّاکثری و تمرکز بر همه معارف عقیدتی از جمله موارد افتراق است منافاتی ندارد. ایشان در دارالاسلام و مستظهر به حصن حصین جمعیت موالیان اهل بیتند و موظف به احیاء معارف مذهب در حدّ اکثر، اما من در این سرزمین دور افتاده از دارالاسلام ، با نسل دوم و سوم مسلمانان حشر و نشر دارم که آن بخش از آنان که در آغوش پر مهر اسلامند به شدت هوادار امتّ واحده و ترکیز بر مشترکات و حفظ عدّه و عدّه و وحدت کلمه اند که مایه گرمی دل و تقلیل دهنده دل نگرانی همیشگی موالیان اهل بیت از قلت و غربت بوده و هست که «اللهم انا نشکو الیک فقد نبینا و غیبنا و لینا و کثرة عدونا و قلة عدنا و شدة الفتن بنا و تظاهر الزمان علینا». اکنون در مقدمه ایشان می خوانم که اختلافات مبنائی هم در میان است و روش من نه به نیت عرضه تصویری قابل فهم تر و قابل دفاع تر از مکتب مقدس در فرهنگ این سوی دنیا بل ناشی از روشنفکر زدگی است . فاصبر حتی یحکم الله بیننا و هو خیر الحاکمین .

این که تصور فرموده اند بنده رابطه خود را با ایشان قطع کرده ام، درست نیست. بنده پس از درگذشت مادرم در آغاز تابستان سال ۱۳۸۴ و پایان تشریفات مربوط به آن، دیگر هرگز حتی یک روز هم در قم حضور نداشته ام. اوقاتی که در ایران هستم صبح های جمعه ساعتی پیش از طلوع فجر به قم می آیم و نماز صبح را بر مدفن والدین به جا آورده و سپس برای زیارت به حرم کریمه اهل بیت مشرف می شوم و پیش از طلوع آفتاب به تهران باز می گردم. تنها استثناء در ۱۷ سال گذشته همان یک ساعتی بود که چند سال پیش به

عزم عتبه بوسی نادره دهر و حسنه عصر مولای معظم حضرت آقای شبیری زنجانی به قم آمدم و در خدمت جناب عالی به محضر ایشان مشرف شدیم. اگر در قم بودم در درک فیض دیدار جناب آقای میلانی کوتاهی نمی کردم.

جز این ، یک دو تسامح دیگر نیز در مکتوب ایشان هست که به یقین یا ناشی از سوء تفاهم در زمان وقوع و یا اشتباه حافظه در دوره ای متأخر است. این که گفته اند بنده روزگاری قائل به تحریف قرآن بوده ام معاذ الله که هرگز چنین بوده است. شاید وقتی در تخاطب و مکالمات بین الانتین ، طرح شبهه و نقل سخنی از دیگران کرده بوده ام و در ذهن ایشان به صورت نظر شخصی من نقش بسته باشد. یا این که نسبت داده اند که روزگاری سب صحابه کرده و در یک مورد کلمه ای ناروا گفته بودم . در این مورد یقیناً خلطی در خاطرات ایشان روی داده و مرا با دیگری اشتباه گرفته اند. آن گونه سخنان زشت، سخن من نیست.

دو نکته دیگر را نیز به اختصار عرض می کنم: یکی مسأله عصمت ائمه اطهار . در نامه ای که سال ها پیش به یکی از بزرگان تفکر نواندیشی دینی نوشته بودم و به چاپ رسیده است نظر خود را با استدلال بیان کرده ام . این تجربه سالیان دراز را نیز بر آن می افزایم که چون در کلیسای کاتولیک، پاپ را واجد مقام عصمت در تبلیغ احکام الهی می دانند مفهوم «عصمت» در تداول متکلمان و مسیحیان غیر کاتولیک و غیر مسیحیان، آماج طنز و نقد بوده و هست و برای تبیین آن مفهوم برای فرهنگ های غیر اسلامی و غیر شیعی معاصر در غرب ، استفاده از مفهوم «طهارت» که متخذ از کریمه مبارکه «انما یرید الله لیزهّب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» است بسیار شایسته تر است .

دیگر اندیشه موسوم به «علماء ابرار» که برخی آن را نظر غالب در میان سلف شیعه امامیه خوانده اند. این اظهار و استظهار از من نیست. در کتاب مورد سخن صریحاً - به استناد چند مأخذ گفته شده بود که «بسیاری» از اصحاب ائمه به این مبنا معتقد بوده اند. تعبیر «بسیار» به روشنی نشان می دهد که مؤلف آن نظریه را نظر غالب یا اکثریت نمی داند. در پایان نیز آمده بود که «اکثریت مطلق عوام شیعه - از جمله نویسندگان اثر حاضر - و بیشتر دانشمندان آن مکتب مقدس همانند روزگاران گذشته همواره راه میانه را پیروی کرده اند که ائمه را نه تنها جانشین پیامبر در دین و در ریاست جامعه اسلامی می شناسد بلکه به برکات وجود مقدس آنان و قرب و مقام خاص معنوی آن بزرگواران در حضرت حق و نتایج متفرع بر آن معتقد است اما نیابت آنان را از خداوند در خلق و رزق و تشریح شریعت نمی پذیرد». این برابر است با نظر فقیه ارشد شیعه در عصر ما ، مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم خوئی - تغمده الله برحمته - بنابر آن چه در تقریرات مرحوم میرزا علی غروی تبریزی از دروس ایشان آمده است در التقیح فی شرح العروة الوثقی ، جلد دوم ، صفحه ۷۳- ۷۴ :

« و منهم [أى من الغلاة] من . . . يعتقد أن الامور الراجعة إلى التشريع والتكوين كلها بيد أمير المؤمنين أو أحدهم - ع - . . . و اعتقادهم هذا وان كان باطلاً واقعاً وعلى خلاف الواقع حقاً حيث أن الكتاب العزيز يدل على أن الامور الراجعة إلى التكوين والتشريع كلها بيد الله سبحانه ، إلا أنه ليس مما له موضوعية في الحكم بكفر الملتزم به. نعم الاعتقاد بذلك عقيدة التفويض لأن معناه أن الله سبحانه كبعض السلاطين والملوك قد عزل نفسه عما يرجع إلى تدبير مملكته و فوض الامور الراجعة إليها إلى أحد وزرائه ، و هذا كثيراً ما يترأى في الاشعار المنظومة بالعربية أو الفارسية حيث ترى أن الشاعر يسند إلى أمير المؤمنين - ع - بعضاً من هذه الامور (در سطور بعد می فرماید : و بسبب ما ورد في بعض الادعية وغيرها مما ظاهره أنهم - ع - مفوضون في تلك الامور) ، و عليه فهذا الاعتقاد إنكار للضروري فان الامور الراجعة إلى التكوين والتشريع مختصة بذات الواجب تعالى - « الى آخر كلامه رحمه الله.

مجدداً از لطفی که در این مورد - به روال الطاف همیشگی خود در حق این ارادتمند دیرین -مبذول فرموده و این خبر را به بی خبران و دورافتادگان رساندید سپاسگزاری می کنم و برای شما و خانواده محترم دوام سلامت و سعادت و مزید توفیق آرزو دارم .

با تجدید عهد مودت .

حسین مدرسی

۲۱ دی ماه ۱۴۰۱